

سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه و تاثیر آن بر کاهش تنش

بین رژیم صهیونیستی و عربستان

رحیم پیری، علیرضا رضایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

چکیده:

دکترین سیاست خارجی دولت ترامپ مبتنی بر سه رکن نخست آمریکا، نظامی‌گری و ناسیونالیسم اقتصادی بود که برپایه‌ی آن، کشورها به عنوان اهداف بالقوه‌ای برای تعامل و تلاش برای تاثیرگذاری در جهت سازگاری با منافع ملی ایالات متحده آمریکا انگاشته شده بود. در این رهیافت نقش متغیرهای تاثیرگذار بر سیاست خارجی دولت ترامپ در خاورمیانه و هم چنین تاثیر آن‌ها بر مناسبات بین عربستان و رژیم صهیونیستی از اهمیت خاصی برخوردار است که مقاله حاضر بر آن است در چارچوب نظریه‌های نئورئالیسم و ملی‌گرایی اقتصادی و کاریست روش توصیفی فرآیند سیاست خارجی دولت ترامپ در خاورمیانه و مؤلفه‌های کلیدی و اثرگذار بر آن را تبیین و باروش تحلیلی ارتباط سیاست خاورمیانه‌ای آن با کاهش تنش بین این دو رژیم را مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا تحت تاثیر ساختار تیم کاری ترامپ و لابی‌ها به دنبال مهار و محدود سازی نفوذ ایران، فرایند صلح خاورمیانه، حمایت از متحدان منطقه‌ای و منفعت طلبی اقتصادی قرار داشت. داشتن دشمن مشترکی به نام ایران، محور مقاومت اسلامی، بیداری اسلامی و توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ مؤلفه‌های کلیدی و تاثیرگذار بر کاهش تنش بین عربستان و رژیم صهیونیستی بود که سران آن‌ها با برسازی ایران به عنوان تهدید مشترک کشورهای عرب سنی منطقه و رژیم صهیونیستی، بدنبال انتقال کانون بحران از نزاع عربی - اسرائیلی به نزاع شیعه - سنی بودند.

واژگان اصلی: سیاست خارجی آمریکا، خاورمیانه، ترامپ، رژیم صهیونیستی، عربستان.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

Alavia127@gmail.com

(نویسنده مسئول)

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

مقدمه

جنگ از دهه ۱۹۵۰، بنیان‌های اصلی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه همواره مبتنی بر دو عنصر تضمین امنیت و ثبات راهبردی صدور انرژی خاورمیانه به غرب و حفظ کیان رژیم صهیونیستی بوده است. اما با فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد، این منطقه بیش از گذشته مورد توجه همه جانبه آمریکا به عنوان تنها قدرت هژمون نظام بین‌الملل قرار گرفت. از دیگر سو، موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خاورمیانه از مهمترین عواملی هستند که تأمین امنیت آن نقش ویژه‌ای در سیاست خارجی آمریکا دارد و در این رهگذر حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و جنبش بیداری اسلامی ۲۰۱۴ به عنوان دو نقطه عطف جدید، موجب پیچیده‌تر شدن پوشش‌های امنیتی گردید که سرنگونی دیکتاتورها هم پیمان با آمریکا، مخالفت با طرح خاورمیانه بزرگ، تغییر ماهیت جنگ‌ها، تغییر نقش - بازیگران، حضور پررنگ بازیگران غیردولتی، افزایش رقابت بین کشورهای منطقه، رشد و گسترش گروه‌های تروریستی تکفیری، شکل گرفتن ائتلاف‌های جدید و... از مهمترین پیامدها و آثار آن بود. گرچه سیاست چرخش به شرق آسیا از دهه‌ی گذشته تاکنون در اولویت نخست سیاست خارجی ایالات متحده قرار دارد. اما در شرایط جدید و با روی کار آمدن ترامپ در ایالات متحده آمریکا و سفر ترامپ به عربستان و سرزمین‌های اشغالی، روابط بین رژیم اسرائیل و عربستان بویژه در حوزه امنیت - بیش از پیش افزایش یافت و در این زمینه ملاقات‌های بین مقامات دو رژیم نیمه علنی و در حال گسترش است. از سوی دیگر با تأثیرگذاری لابی‌های یهود، سلاح، عرب و ساختار تیم کاری ترامپ و در پرتو ایران - هراسی و برسازی تهدید ایران (برای آمریکا، اسرائیل و کشورهای عرب منطقه بویژه عربستان)، روند تحولات در خاورمیانه به گونه‌ای رقم خورد که این منطقه در کانون سیاست خارجی دولت ترامپ قرار گرفت و بسترهای مناسب برای کاهش تنش بین عربستان و اسرائیل فراهم گردید. با توجه به موارد فوق شناخت استراتژی و نقش متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی دولت آمریکا در دوره‌ی ترامپ در خاورمیانه و همچنین تأثیر آن‌ها بر مناسبات بین عربستان و رژیم صهیونیستی از اهمیت خاصی برخوردار است که این مقاله بر آن است تا این مهم را مورد بررسی و به این سؤال اصلی پاسخ دهد آیا بین سیاست خارجی دولت ترامپ در خاورمیانه و کاهش تنش بین عربستان و رژیم صهیونیستی رابطه‌ی معنا داری وجود دارد؟.

۲- مروری بر پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات علمی و پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی باموضوع «سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه و تأثیر آن بر کاهش تنش بین اسرائیل و عربستان» انجام نگرفته است، اما مقاله‌هایی در زمینه روابط رژیم صهیونیستی و عربستان نگاشته شده است که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

پورحسین، ناصر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحول مواضع عربستان در قبال رژیم صهیونیستی» با روش توصیفی - تحلیلی سیاست خارجی عربستان در قبال رژیم صهیونیستی با تأکید بر دوره ملک سلمان را مورد بررسی قرار داده که نتایج آن نشان می‌دهد سیاست خارجی عربستان تحت تأثیر سه متغیر متداخل کارگزار، تغییر موازنه قوا در منطقه‌ای و تغییر سیاست خارجی آمریکا قرار دارد و بحران فلسطینی - اسرائیلی از اولویت آن خارج شده است.

اخوان کاظمی، مسعود، گلناز نریمانی و سید شمس‌الدین صادقی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیلی بر روابط راهبردی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی» با بهره‌گیری از تئوری توازن تهدید استفان والت اتحاد استراتژیکی آن‌ها در تقابل با ایران را مورد بررسی قرار داده که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به گسترش قدرت و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا، دوررژیم مذکور ضمن احساس تهدید مشترک از این واقعیت و اتخاذ یک سیاست عمل‌گرایانه، به نزدیکی هرچه بیشتری یکدیگر و تعمیق روابط دوجانبه اقدام نموده‌اند و در آینده نیز این روابط خود را بیش از پیش تقویت خواهند کرد.

حاجی یوسفی، امیر محمد و امیر حسین نعمتی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «صف آرایی عربستان سعودی با اسرائیل از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل»، رفتار سازی در سیاست خارجی عربستان را در چارچوب نظریات موازنه قدرت و التز، موازنه‌ی تهدید استفان والت و موازنه منافع رندال شولر را بررسی و نظریه‌ی رندال شولر به جهت تأکید هم‌زمان بر عوامل داخلی و ساختاری قدرت در قالب توازن منافع، از قدرت تبیین‌کنندگی بالاتری دانسته‌اند.

زارعی، سعیدالله (۱۳۹۵) با استفاده از روش توصیفی تحلیلی در مقاله «ریاض تل آویو؛ بنیاد و نتایج مناسبات سیاسی و امنیتی» ضمن بررسی تاریخچه روابط غیررسمی رژیم صهیونیستی و عربستان به نقش عربستان در همکاری با انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها در تاسیس و حفظ رژیم صهیونیستی اشاره و این دوررژیم قدرت‌یابی جنبش‌های اسلام‌گرا و رویکرد تحولی انقلاب اسلامی را تهدید وجودی برای خود تلقی و برقراری و علنی‌سازی «رابطه استراتژیک» را دنبال کرده‌اند.

آدمی، علی، نازنین نظیفی نایینی و عارف بیژن (۱۳۹۷) در چارچوب نظریه موازنه ناقص از رندال

شوولر در مقاله‌ای با موضوع «اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دو جانبه» را مورد بررسی قرار داده که نتایج آن نشان می‌دهد علی‌رغم افزایش همکاری‌ها این دو رژیم، نتوانستند اتحادی قوی به ویژه علیه ایران تشکیل دهند.

۲- روش پژوهش:

این پژوهش از نوع توصیفی _ تحلیلی است و به این ترتیب در ابتدا با استفاده از روش توصیفی به تبیین فرآیند سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و به ویژه در دوره ترامپ و متغیرهای اثرگذار بر آن - پرداخته می‌شود و در ادامه با استفاده از روش تحلیلی ارتباط این سیاست با کاهش تنش بین عربستان و اسرائیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و اینترنتی معتبر استفاده شده است.

۳- چارچوب نظری پژوهش

با توجه به شاخصه‌های دولت ترامپ به نظر می‌رسد که نظریه‌های نئورئالیسم و ملی‌گرایی - اقتصادی چارچوب مناسبی برای تبیین روابط میان آمریکا و تأثیر آن بر کاهش تنش بین رژیم اسرائیل و عربستان سعودی می‌باشند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱- نئو رئالیسم

واقع‌گرایی ساختاری یا نواقح‌گرایی نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که قدرت را مهمترین عامل در روابط بین‌الملل می‌داند و به دو دسته تهاجمی و تدافعی تقسیم می‌شود. در رئالیسم ساختاری ماهیت ساختار بین‌المللی با اصل نظم‌دهنده، آناششی و توزیع قابلیت‌ها تعریف شده و ساختار بین‌المللی غیرمتمرکز است، به این معنی که هیچ اقتدار مرکزی رسمی وجود ندارد. برای واقع‌گرایان تدافعی، رفتار فراتر از یک سیاست خارجی معتدل و فزاینده اغلب غیرضروری و معکوس می‌باشد. از سوی دیگر رئالیسم تهاجمی به دنبال قدرت و نفوذ برای دستیابی به امنیت از طریق سلطه و هژمونی است. در واقع برای واقع‌گرایان تهاجمی، امنیت کمیاب و ماهیت آناشیک نظام بین‌الملل، دولت‌ها را وادار می‌کند تا سهم خود را از قدرت جهانی بیشینه و امنیت و بقای خود را افزایش دهند (E.Lobell, 2017). در بین واحدهای سیاسی، آمریکا به کشورهای دیگر از زاویه بدبینی (همچون ایران، سوریه، عراق و...) و یا رقیب (همچون چین روسیه) می‌نگرد، در راستای بقای خود به عنوان هژمونی جهانی، راهبرد-های ویژه‌ای را در قالب اهداف افزایش قدرت خود و کنترل و واپایش مهاجمان و بازیگران رقیب به کار می‌برد (مرادخانی، ۱۳۹۶). ترامپ در این باره می‌گوید: «در طول اولین سال ریاست جمهوری من، شما

شاهد اجرای سیاست خارجی نخست آمریکا بوده آید. اقتصاد ما در حال رشد و منافع شهروندان خود را در اولویت قرارداده ایم و آمریکا دوباره در صحنه جهانی پیشتاز است. علاوه بر آن ما در حال سرمایه گذاری تاریخی در ارتش ایالات متحده هستیم» (Brookings, 2017). از سوی دیگر، نگاه ترامپ به ماهیت نظام بین الملل و نقش آمریکا در آن مبتنی بر منافع به جای ارزش هاست. در کانون مرکزی این نگرش، منافع ملی به عنوان نیروی محرک در یک سیستم رقابتی قرار دارد. دولت های ملی بازیگران اصلی در این سیستم هستند و فعالانه در جهانی که هنوز هابزی است به دنبال منافع خود می باشند. به زعم ترامپ، آمریکا نیز از این اصول مستثنی نیست. این رویکرد ترامپ درباره چگونگی عملکرد سیستم دولت ها، به دیدگاه های هنری کیسینجر و جان میرشایمر نزدیک است. در نهایت باید خاطر نشان کرد که - سیاست خارجی دولت آمریکا با رهیافت واقعگرایی سیاسی همخوانی دارد، و از این رو، برای درک رویکرد اقدامات سیاست خارجی این کشور (در دوره ترامپ) راهنمای مناسبی محسوب می گردد. (محمدزاده ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۹-۱۴۸).

۲-۳- ملی گرایی یا ناسیونالیسم اقتصادی

این ایده که منافع اقتصادی ملت باید فراتر از علایق اقتصادی افراد قرار گیرد و باید از طریق اعمال دولتی مقتدر تقویت گردد، ناسیونالیسم اقتصادی نامیده می شود. (بالام و وست، ۱۳۸۶: ۱۳۳-۱۳۰). تز اصلی مکتب این است که فعالیت های اقتصادی می بایستی تابع هدف دولت سازی و منافع دولت باشد. همه ناسیونالیست ها بر برتری دولت، امنیت ملی و قدرت نظامی در سازماندهی و عملکرد نظام بین الملل پافشاری می کنند، اما در مواضع خود دارای جهت گیری های گوناگون هستند (عسکرخانی، ۱۳۹۵: ۱۷۷). اقتصاد یکی از ابزارهای مهمی است که دولت ها به منظور دستیابی به مجموعه ای از اهداف - سیاسی خارجی و داخلی از آن استفاده می نمایند. گرچه اهداف ناسیونالیسم اقتصادی ایجاد توازن اقتصادی داخلی به منظور کسب امنیت و استقلال به نظر می رسد که نسبتاً بی آزار و خوش سرشت باشد ولی پیشرفت در تکنولوژی مبادلات و حمل و نقل سرانجام تأثیرات این سیاست ها را به طور کلی تغییر داد و ناسیونالیسم اقتصادی به شکل گیری امپریالیسم در عرصه خارجی کمک نمود (بالام و وست، ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۳۳) که این موضوع با سیاست های دولت ترامپ هم خوانی دارد و می توان گفت ملی گرایی اقتصادی یکی از اصول و ویژگی های سیاست و راهبرد دولت ترامپ بود. وی برخلاف تمامی رؤسای جمهور آمریکا که همواره معتقد به تجارت آزاد بودند و آن را یک بازی برد- برد تلقی می کردند که موجب تولید ثروت، افزایش امنیت و تأمین منافع آمریکا در داخل و خارج شده است. اما دولت ترامپ آن را

بازی برد- باخت به نفع رقبای آمریکا می‌دانست. از نظر ترامپ اصل «نخست آمریکا» باید چراغ راهنمای سیاست خارجی آمریکا باشد و امنیت، کالایی است که آمریکا آن را تولید و در اختیار دیگران قرار می‌دهد، بدون این که بهای آن را بپردازند. (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۳۶). در واقع اقتصاد نقش مهمی در عرصه سیاست خارجی و شکل دهی به روابط خارجی آمریکا در دوره ترامپ ایفا کرد. با توجه به موارد فوق، نظریه‌های نئورئالیسم و ناسیونالیسم اقتصادی چارچوب نظری مناسبی برای پژوهش حاضر محسوب می‌شوند و در این چارچوب سیاست خارجی دولت ترامپ در خاورمیانه، عوامل موثر بر آن و هم چنین متغیرهای - تأثیرگذار بر کاهش تنش بین اسرائیل و عربستان مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد.

۴- سیاست خارجی دولت ترامپ در خاورمیانه و اهداف آن

بی‌تردید منطقه خاورمیانه، از مهم‌ترین مناطقی است که تمرکز و توجه بسیاری از بازیگران بین‌المللی را به خود معطوف کرده است. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ذخایر عظیم انرژی، از مهم‌ترین عواملی است که باعث اهمیت مضاعف این منطقه شده است. تضمین جریان انتقال انرژی، تأمین و تضمین بقا و امنیت رژیم اسرائیل، مبارزه با اسلام سیاسی، مقابله با کشورهای مخالف منافع آمریکا و گسترش فرهنگ اقتصاد لیبرال از اهداف کلی سیاست خارجی آمریکا در این منطقه محسوب می‌شود. اما ارکان رهنامه سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ بر ۳ پایه بنیادین نخست آمریکا، نظامی‌گری و ناسیونالیسم قرار داشت و اساسی‌ترین رکن آن ملی‌گرایی با عنوان «اول آمریکا» بود. از سوی دیگر امور اقتصادی را از وظایف اصلی سیاست خارجی می‌دانست (Thrall, 2017). مک‌گورک از کارشناسان با سابقه و ارشد امنیت ملی آمریکا در دولت های بوش، اوباما، ترامپ و استاد دانشگاه استنفورد با انتقاد از سیاست خارجی دولت ترامپ نوشته است: «علی‌رغم این که رقابت بزرگ قدرت علیه روسیه و چین در راهبرد امنیت ملی و راهبرد دفاع ملی ترامپ مورد تأکید قرار گرفته و آسیا منطقه‌ای است که در اولویت مشارکت‌های آمریکا قرار دارد و چرخش راهبردی به سوی شرق آسیا است. اما ترامپ اهداف آمریکا در سراسر غرب آسیا را گسترش و بیشتر از همه بر ایران متمرکز شده است. در واقع آشفته‌گی سیاست ترامپ در قبال ایران، اولویت‌های دیگر آمریکا را تضعیف کرده است (McGurk, 2020). در واقع سیاست خاورمیانه‌ای دونالد ترامپ نسبت به دوره‌ی باراک اوباما، تغییر قابل توجهی داشت و وی برای منزوی کردن ایران به دنبال تقویت رژیم اسرائیل و عربستان سعودی بود. به طوری که دونالد ترامپ با بهبود قابل توجه روابط با ریاض و بازسازی روابط آمریکا با دولت بنیامین نتانیاهو که در دوره اوباما

آسیب دیده بود، رویکرد متفاوتی نسبت به دولت گذشته‌ی آمریکا اتخاذ و مهار ایران به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی دولت وی بود. به طوری که در اهربرد امنیت ملی سال ۲۰۱۷ هفده بار به صورت واضح به ایران اشاره و جلوگیری از برتری «هر قدرت متخاصم با ایالات متحده» را به عنوان یک اولویت کلیدی در منطقه مورد تأکید و به دنبال ایجاد اتحاد راهبردی در خاورمیانه (ناتوی عربی) با هدف افزایش همکاری‌های امنیتی و اقتصادی از جمله ایجاد سپردفاع ضد موشکی منطقه‌ای و رویارویی با ایران بود. در واقع حمایت آمریکا از رژیم‌های سنی به رهبری عربستان قطب‌بندی منطقه‌ای را تقویت کرد. از سوی دیگر سفارت آمریکا را از تل آویو به بیت‌المقدس منتقل و دیوید فریدمن^۱ که از مخالفان سرسخت راه حل دو کشوری برای مناقشه‌ی بین رژیم اسرائیل و فلسطین بود را به عنوان سفیر خود در فلسطین اشغالی منصوب کرد. وی همچنین نگرانی‌های مسیحیان انجیلی در مورد ایران و رژیم اسرائیل را مورد توجه و در اولویت قرار داد و با حمایت از محور سعودی - اسرائیل، پایگاه سیاسی خود را تقویت کرد (Thompson, 2018). با توجه به موارد فوق‌مهمترین اهداف سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه در دوره دونالد ترامپ عبارتند از:

۱- ۴- مهار و محدودسازی ایران

گسترش نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و منافع متعارض آن با آمریکا و متحدان آن موجب شده است تا ایالات آمریکا از راه‌های متعدد در صدد مهار و محدود کردن نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران برآید و این موضوع حتی در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۷ دولت ترامپ تصریح شده است: «سال‌هاست که مشکلات متقابل و به هم پیوسته‌ای شامل گسترش نفوذ ایران، فروپاشی دولت، ایدئولوژی جهادی، رکود اجتماعی، اقتصادی و رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه را متلاشی کرده است این منطقه به خطرناک‌ترین لانه سازمان‌های تروریستی جهان تبدیل شده است و ایران نخستین حامی دولتی تروریسم در جهان است و از بی‌ثباتی برای گسترش نفوذ خود و از طریق شرکا و هم پیمانان، بهره برداری می‌نماید- (U.S.A National Security Strategy, 2017: 48)

(49) مارتین ایندایک معاون اندیشکده بروکینگز نیز در مقاله‌ای نوشته است: «ایران طی چهارده گذشته در برابر منافع ایالات متحده و متحدانش در خاورمیانه چالش جامع و گسترده‌ای را به وجود آورده و این کشور موفق شده است یک هلال نفوذ از لبنان و سوریه در شام، تا عراق و بحرین در خلیج فارس و تایمن و دریای سرخ را ایجاد کند. آنچه اکنون ایالات متحده به آن نیازمند دارد یک راهبرد عقب راندن

¹. David Friedman

جامع، یکپارچه و بادوام است» (S. Indyk, 2017). مقامات رژیم اسرائیل نیز به دنبال فرآیند عادی ساختن این مسأله می باشد که اعراب دیگر این رژیم را دشمن اصلی خود نمی دانند، بلکه اکنون ایران مهمترین دشمن آن‌ها است (Graham, 2015). در واقع این رژیم در پی آن است تا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مهمترین عامل بی ثبات کننده منطقه در نزد آمریکا جلوه دهد و بر این اساس ترامپ در جریان سخنرانی ۲۱ مارس خود در کنفرانس سالانه «کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل» موسوم به آپیک وعده داد که در مقابل تلاش تهاجمی ایران برای بی ثبات کردن منطقه و تسلط بر آن مقابله می کند (Wainer, 2016). به باور استفان والت رویکرد دولت ترامپ در قبال ایران عاری از منطقی و هدف راهبردی بود. ترامپ، مایک پمپئو (وزیر امور خارجه)، مارک اسپر (وزیر دفاع) و سایر اعضای تیم سیاست خارجی وی مانند مهره های شطرنجی بودند که نتوانستند هربار بیش از یک حرکت داشته باشند؛ به همین دلیل این حقیقت آشکار حیات را در سیاست بین الملل نادیده گرفته اند که مهره های دیگر شطرنج هم به آنها نزدیک می شوند (Walt, 2020).

۴-۲- حمایت از متحدان منطقه‌ای

ایالات متحده به منظور مقابله با گسترش نفوذ ایران در سطح منطقه و مهمترین تهدید علیه متحد (استراتژیک آن) رژیم اسرائیل، نیازمند حمایت از متحدین عرب خود و فروش سلاح به آن‌ها است. در واقع حفظ راهبرد محاصره پیرامونی این رژیم برای دورنگه داشتن و تأمین امنیت آن از آشوب‌های منطقه‌ای یکی از اهداف ایالات متحده می باشد. لذا تقویت روابط دوجانبه و ایجاد مناسبات قوی با تل‌آویو، عربستان و دیگر سران کشورهای خلیج فارس و پیگیری تعهدات (دو یا چند جانبه) برای مقابله با تهدیدات ایران در افزایش همکاری‌های راهبردی به آن‌ها کمک خواهد کرد (Cordesman, 2016). هم چنین نگاهی کوتاه بر بخش خاورمیانه سند راهبرد امنیت ملی ترامپ در سال ۲۰۱۷ نشان می دهد که برخلاف سند سال ۲۰۱۵ اواما که از مناقشه بین رژیم اسرائیل و فلسطین به عنوان یکی از عوامل بی ثباتی در منطقه خاورمیانه یاد شده بود، در این سند تلاش شده است با بزرگ نمایی تهدید ایران و قرارداد نام آن در کنار تروریسم، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان چالش اصلی و عامل بی ثبات کننده منطقه خاورمیانه معرفی و نیروهای مقاومت اسلامی را با گروه‌های تروریستی تکفیری جاگزین - نمایند «(U. S. A National Security Strategy, 2017:4). در این باره تحلیل گران موسسه پژوهشی مرکز مطالعات امنیتی ژورنیک سوئیس ضمن متفاوت دانستن سیاست خاورمیانه‌ای

1. Center for Security Studies

دونالد ترامپ با اوباما بر این باورند که ترامپ به دنبال تقویت جایگاه عربستان سعودی و اسرائیل و منزوی کردن ایران بود. اما این رویکرد با کنار هم چیدن قطعات جدا از هم به اجرا گذاشته شد نه در قالب یک راهبرد منسجم (Elhardt, 2018).

۳-۴- منفعت طلبی اقتصادی

ناسیونالیسم اقتصادی سومین رکن رهنامه سیاست خارجی ترامپ بود و برخلاف روسای جمهور گذشته به جای امنیت، اقتصاد را وظیفه اصلی سیاست خارجی میدانست و نشان دهنده ی آن بود که نسبت به گذشته، این مسائل اقتصادی بودند که سیاست خارجی دولت ترامپ را تحت تأثیر قرار می دادند (Thrall, 2017). بررسی موسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم نشان می دهد ۱۰ کشور (از بین ۱۴۹ کشور جهان) چهار درصد یا بیشتر از تولید ناخالص داخلی خود را به هزینه های ارتش اختصاص داده اند که ۷ کشور از آن ها در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند. ایالات متحده با ۳۶ درصد از فروش جهانی (در مقایسه با ۳۱ درصد در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۴) در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۹ بیشترین فروش تسلیحات را داشته است. علاوه بر این، خاورمیانه همچنان مقصد اصلی صادرات تسلیحات جهان است. به طوری که ۶ کشور از ۱۰ واردکننده بزرگ اسلحه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند. اما در بین واحدهای سیاسی، ایالات متحده بیش از سایر کشورها از فروش سلاح به عنوان ابزار اصلی سیاست خارجی خود در این منطقه بهره برداری کرده است (W. Dunne, 2020). در سال ۲۰۱۸-۲۰۲۲ نیز ۳ کشور از ۱۰ واردکننده برتر تسلیحات جهان در منطقه خاورمیانه بودند که عربستان سعودی با ۹/۶ درصد از کل واردات تسلیحات در این دوره، دومین واردکننده بزرگ تسلیحات در سال ۲۰۱۸-۲۰۲۲ بود. همچنین مقصد اکثریت عمده (۵۴ درصد) تسلیحات صادراتی ایالات متحده آمریکا به خاورمیانه از (۵۴ درصد) بوده است (Stockholm International Peace Research Institute, 2023). به طوری که ترامپ مدعی است در جریان سفر به عربستان سعودی، قراردادهایی به ارزش ۳۵۰ میلیارد دلار با این کشور منعقد کرده است که موجب اشتغال صدها هزار نفر می شود (Kessler, 2017). از این رو، آمریکا با پروپاگاندا و تبلیغات سیاسی خود ایران را به عنوان تهدیدی برای رژیم های عرب منطقه معرفی و این امر به تشدید رقابت تسلیحاتی در منطقه و بازاری برای فروش سلاح های آمریکایی تبدیل شده است.

۴-۴- فرآیند صلح خاورمیانه

1. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

برقراری صلح بین رژیم اسرائیل و اعراب و بویژه حل مسئله فلسطین، همواره در اولویت نخست سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا قرار داشته و علی‌رغم برگزاری اجلاس‌های مختلف در مادرید، اسلو، شرم‌الشیخ، کمپ دیوید، آنابولیس و... پیشرفتی در روند مذاکرات بین آن‌ها حاصل نشده است. به طوری که در دو دهه‌ی گذشته، مسائل اصلی در مناقشه بین رژیم اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین، همچنان بدون تغییر و لاینحل باقی مانده اند و در برخی موارد شکاف بین طرفین مطابق با تحولات میدانی و واقعیت ژئوپلیتیکی عمیق‌تر شده است. با این حال، با روی کار آمدن ترامپ، برخی از موازنه‌های داخلی نیز تغییر و ایالات متحده آمریکا ضمن جانبداری علنی از رژیم اسرائیل به شدت مواضع آن با این رژیم همخوانی و تطابق داشت و از سوی دیگر، در این دوره هزینه و خسارت زیادی بر فلسطینی‌ها تحمیل گردید (Sher, 2020). به طوری که محمود عباس درباره‌ی آن گفت: «امروز روزی است که توافق اسلو پایان می‌یابد، ما آمریکا را به عنوان میانجی نمی‌پذیریم؛ و آنچه که به عنوان معامله قرن وعده داده شده بود، به سیل قرن تبدیل شده است» (Wright, 2018). در واقع دونالد ترامپ بدون توجه به آثار و پیامدهای این طرح، حتی با واکنش منفی سران عرب سازشکار نیز مواجه گردید. وی سرانجام در ۲۹ ژانویه سال ۲۰۲۰ از این طرح بلند مدت خو رونمایی کرد که براساس آن دولت آینده فلسطین در مجمع الجزایر ناپیوسته و محاصره اسرائیل تشکیل و قدس به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخته شده است. (Thrall, 2020). علاوه بر آن در این طرح فلسطینی‌ها از حاکمیت محدودی برخوردار هستند. به طوری که رژیم اسرائیل مجاز به انجام عملیات امنیتی در داخل کشور فلسطین است و دولت فلسطینی‌ها باید جنبش‌های مقاومت فلسطین را سرکوب و نیازهای امنیتی این رژیم را تأمین نمایند. علاوه بر آن فلسطینی‌ها باید خلع سلاح و مسئولیت امنیت و کنترل تمام فضای هوایی غرب رود اردن را در اختیار رژیم اسرائیل قرار دهند. در این طرح ۸۷ درصد از اراضی تحت کنترل رژیم اشغالگر فلسطین در کرانه باختری به اسرائیل ضمیمه و دره اردن تحت حاکمیت مطلق آن قرار می‌گیرد. همچنین این رژیم مسئول امنیت تمام گذرگاه‌های مرزی بین المللی به داخل کشور فلسطین است. از سوی دیگر فلسطینی‌ها حق توسعه قابلیت‌های نظامی یا شبه نظامی در داخل یا خارج از مرزهای خود را نخواهند داشت. اما در صورتی که امنیت رژیم اسرائیل مورد تهدید قرار گیرد، این رژیم از حق استفاده از زور و حمله به مناطق تحت کنترل فلسطینی‌ها برخوردار می‌باشد. در این طرح تأکید شده است که امضای توافقنامه بین رژیم اسرائیل و فلسطینی‌ها باید تضمین‌کننده پایان هر گونه ادعای تاریخی فلسطینی‌ها مبنی بر حق بازگشت آوارگان به سرزمین خود باشد. در واقع معامله قرن دولت

ترامپ بانجام یک اصلاح جزئی، همان راه حل جناح راست افراطی اسرائیل است که در سال‌های قبل آن را پیشنهاد کرده بود (Arab Center for Research and Policy Studies, 2020). در این طرح، عربستان سعودی نیز به همراه تعدادی دیگر از کشورهای حاشیه خلیج فارس متعهد شده- اند که «معامله قرن» دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را به مبلغ ۵۰ میلیارد دلار تأمین مالی کنند (Middleeastmonitor, 2020). در واقع عربستان سعودی در این طرح بدنبال نقش آفرینی و به سرانجام رساندن موضوع صلح خاورمیانه بود تا تصویری مثبت و صلح طلب از این کشور به نمایش بگذارد و علاوه بر آن موضوع فلسطین به مسئله دوم منطقه خاورمیانه تبدیل و ایران را جای‌گزین آن نماید. از سوی دیگر ایران را در نزد افکار عمومی به عنوان چالش اصلی منطقه معرفی و برای مقابله با ایران کشورهای دیگر را در قالب ائتلاف و... با خود همراه سازد.

۵- مؤلفه‌های تاثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه

عوامل و مؤلفه‌های مختلفی در شکل‌گیری و ترسیم خطوط سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا در دوره ترامپ نقش‌آساز و تاثیرگذاری داشتند که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود

۵-۱- لابی‌ها:

سیاست خارجی آمریکا پیوند مستحکمی با نقش گروه‌های نفوذ و لابی‌های قدرتمند ثروت و قدرت در این کشور و نظام جهانی دارد به طوری که نمی‌توان در بررسی سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایالات متحده کندوکاو کرد و به یکی از عناصر قدرت و جریان‌ات ذی نفوذ و وابسته به نظام سرمایه‌داری جهانی برخورد نکرد، عناصری که خود نه به عنوان مقامات سیاسی، قضایی و یا نظامی در این مقوله شناخته شده‌اند، بلکه بیشتر به عنوان صاحبان بازارهای مالی و مالکان سیستم بانکی هدایت‌دهنده عریض و طویل بروکراسی در آمریکا را به عهده دارند و با اعمال فشار بر سایر دستگاه‌ها توسط نزدیکان و وابستگان به سیستم سرمایه‌داری جهانی به اعمال قدرت و نفوذ بر سیاست‌های دولت در آمریکا می‌پردازند. (آذر گشسب، ۱۳۹۳) به طور کلی مهمترین لابی‌های تاثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه عبارتند از:

۵-۱-۱- لابی یهود

با آنکه یهودیان تنها حدود ۳ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، مجموعه چشم‌گیری -

از سازمان‌های مختلف رابرای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا به وجود آورده‌اند که در این میان نقش کمیته امور عمومی آمریکا اسرائیل (آپیک) به عنوان قدرتمندترین سازمان یهودی آمریکا بسیار شاخص می‌باشد، سازمانی که مسئول برنامه ریزی و هماهنگی کردن فعالیت اکثر سازمان‌های یهودی آمریکا را برعهده دارد نقش اساسی را در هماهنگی سیاست‌های آمریکا با منافع صهیونیسم ایفا می‌کند (سیمبرو نظری، ۱۳۹۳: ۹). علاوه بر آپیک، لابی اسرائیل شامل یهودیان آمریکایی می‌شود که به شدت از رژیم اسرائیل حمایت می‌کنند، اما برخی از آمریکایی‌های غیر یهودی مانند انجیلی‌های مسیحی نیز به بدون قید و شرط حامی اسرائیل هستند. کنفرانس روسای سازمان‌های بزرگ یهودی آمریکا، مسیحیان متحد برای اسرائیل، سازمان صهیونیستی آمریکا، موسسه یهودی امنیت ملی آمریکا، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و گروه‌های مختلف دیگر از جمله آن‌ها می‌باشند. لابی اسرائیل مانند دیگر گروه‌های ذینفع از راهبردهای مختلفی برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند. تأثیر آن‌ها از روش‌های مختلفی مانند کمک‌های تبلیغاتی به احزاب سیاسی یا سیاستمداران، فعالیت مستقیم درکنگره، انتشار عمومی نوشته‌ها، کتاب‌ها، حضور در رسانه‌ها و غیره صورت می‌گیرد (Walt, 2019). قدرت سیاسی لابی نه به واسطه تأثیرات آن بر اظهارات نامزدها در جریان مبارزات انتخاباتی، بلکه به دلیل تأثیرات قابل توجه آن بر روی سیاست خارجی آمریکا به ویژه در منطقه خاورمیانه، دارای اهمیت می‌باشد. دخالت‌های آمریکا در این منطقه فوق العاده حساس، پیامدهای مهمی برای ساکنان چهارگوشه جهان به ویژه ساکنان این منطقه - دارد. آمریکایی‌ها از جنگ جهانی دوم به بعد نقش مهم و فزاینده‌ای در مسائل امنیتی خاورمیانه ایفا نموده‌اند که عامل اولیه آن نفت و به دنبال آن مبارزه با کمونیسم و به مرور زمان، روابط ربه رشد با رژیم صهیونیستی بود. ویژگی اصلی و حتی مرکزی سیاست آمریکا در خاورمیانه از زمان جنگ ۶ روزه در سال ۱۹۶۷ میلادی، ارتباط با رژیم صهیونیستی بوده است. در واقع، سطح حمایت‌های مادی و دیپلماتیک آمریکا طی چهل سال گذشته از رژیم صهیونیستی به اندازه‌ای وسیع بوده است که با میزان حمایت‌های ایالات متحده از سایر کشورها قابل مقایسه نیست. همچنین آمریکا سیاست‌هایی در منطقه خاورمیانه اعمال کرده است که منعکس کننده خواسته‌های رژیم صهیونیستی می‌باشد. به عنوان مثال سیاست ایالات متحده در قبال ایران از اوایل دهه نود میلادی به بعد، به طور گسترده‌ای تحت نفوذ خواسته‌های ارایه شده توسط دولت‌های رژیم صهیونیستی بوده است. (میرشایمر و والت، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۰).

۲-۱-۵-۱- لابی سلاح

اصطلاح لابی اسلحه در ایالات متحده یک اصطلاح گسترده است که شامل تلاش برای

تأثیرگذاری بر سیاست های ایالتی و فدرال در مورد اسلحه، معمولاً از طریق حمایت از نامزدهایی است که متعهد به مخالفت با اقدامات کنترل اسلحه شده اند. ماین شامل کمک های مستقیم به قانونگذاران، تلاش برای حمایت مستقل از مقامات منتخب، و کمپین هایی برای تحت تاثیر قراردادن افکار عمومی در مورد مسائل مربوط به سلاح گرم است (Stepansky, 2022). از سوی دیگر صنایع تسلیحاتی - ایالات متحده آمریکا از بزرگترین صنایع تولیدی و حیاتی این کشور هم در عرصه ملی و هم در عرصه جهانی می باشند. لابی سلاح آن گرچه همواره در تخصیص کمک های خود به ساختار قدرت درکنگره و کاخ سفید و این که چه حزبی بر سر قدرت می باشد، توجه جدی دارد. اما به لحاظ سستی بیشتر طرفدار حزب جمهوری خواه و کاندیداهای انتخاباتی آن است. از این رو، لابی صنایع تسلیحاتی برای نیل به اهداف خود از سه ابزار یا روش تأثیرگذاری بر سیاست گذاری های امنیتی و دفاعی ایالات متحده، نفوذ در قوه مجریه و تأثیرگذاری اجرایی و نفوذ در قوه مقننه و وضع قوانین هم سو بهره می گیرد. مجموع فعالیت های لابی صنایع تسلیحاتی سبب شده است تا از یک سو پتانژون هر ساله بودجه بیشتری را صرف خرید های نظامی، عقد قراردادهای جدید و توسعه پروژه های تحقیقاتی نماید و از سوی دیگر رویکرد فروش خارجی تسلیحات بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و قوانین مرتبط با آن آسان تر شود. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۲۷۷-۲۶۲). علاوه بر آن، مجتمع های نظامی صنعتی با نفوذ در ساختار سیاسی آمریکا، اهداف و منافع اقتصادی خود را به عنوان اهداف و منافع این کشور و هم پیمانان آن جلوه می دهند و با بهره گیری از ساز و کارهای مختلف، نقش برجسته ای را در شکل دهی و پیشبرد سیاست خارجی ایالات متحده در دوران جنگ سرد و پس از آن ایفا کرده اند (مدرس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۵). تحقیقات متعدد نشان داده است که گروه های اصلی لابی ضد کنترل اسلحه به ویژه انجمن ملی سلاح^۱، روابط نزدیکی با صنعت سلاح گرم چند میلیارد دلاری در ایالات متحده دارند. طرفداران کنترل اسلحه مدت ها است که قدرت لابی را عامل بی تدبیری دولت فدرال برای کنترل سلاح می دانند که در سال های اخیر قانون آن در ایالات متحده تصویب شده است. طرفداران کنترل سلاح، لابی ها را به دلیل کمک به کاهش محدودیت های استفاده از سلاح گرم در مجالس ایالتی تحت سلطه جمهوری خواهان را مقصر می دانند. چندین دهه است که لابی قدرتمند سلاح در ایالات متحده از اصلاح قانون کنترل سلاح دولت فدرال جلوگیری می کند. باراک اوباما، رئیس جمهور سابق ایالات متحده با اشاره به حمایت حزب جمهوری خواه از لابی سلاح گفت: «ایالات متحده به دلیل یک لابی اسلحه و خط مشی سیاسی فلج شده است».

1. National Rifle Association (NRA)

در همین حال، آدام شیف^۱ رئیس دموکرات کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا نیز در این باره نوشت: «کودکان در حال مرگ هستند و ما می‌توانیم کاری برای آن‌ها انجام دهیم. اما جمهوری خواهان در مقابل لابی اسلحه ایستادگی نمی‌کنند» ترامپ در سال ۲۰۱۷ بارها قول داد که از حق داشتن اسلحه حمایت و به انجمن ملی سلاح گفت: «من هرگز شما را ناامید نخواهم کرد» (Stepansky, 2022). همچنین در ایالات متحده، پیمانکاران عمده نظامی، لابی آن‌ها و هیئت‌های کنگره از ایالت‌هایی که صنایع نظامی در آن مناطق مستقر هستند، باید فروش تسلیحات در اولویت روابط امنیتی در سطح بین‌المللی را قرار دهند (W.Dunne, 2020).

۵-۱-۳- لابی عرب

لابی اعراب در آمریکا مجموعه‌ای از گروه‌های رسمی و غیررسمی و لابی‌کنندگان حرفه‌ای است که منابع مالی آن به طور مستقیم از سوی دولت‌های عربی تامین می‌شود و در جهت تحقق منافع ملی این کشورها فعالیت می‌کنند. عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس از اهرم نفت به عنوان ابزاری برای حفظ حضور خود در رأس حکومت آمریکا استفاده می‌کنند. (ثمودی، ۱۳۹۱) لابی عربستان یا دفتر کمیته روابط عمومی آمریکا و عربستان بانام اختصاری ساپراک^۲ در اسفند سال ۱۳۹۴ در واشنگتن افتتاح گردید. بر اساس اطلاعات وب سایت این دفتر، هدف از تأسیس این مرکز، تحکیم و تقویت روابط و اشنگتن - ریاض توصیف شده است. بعد از جدی تر شدن مذاکرات ایران و ۱+۵، عربستان سعودی با کمک اسرائیل و برخی کشورهای عرب منطقه لابی عبری-عربی را علیه ایران (برای تخریب روند مذاکرات) تشکیل داد و با عملیاتی شدن برجام؛ عربستان در کنار لابی صهیونیستی و چهره‌های افراطی آمریکایی، فشار و انزوای ایران را دنبال کرد (هانی زاده، ۱۳۹۴: ۲). از سوی دیگر سعودی‌ها به دنبال جلب اطمینان ترامپ و لابی یهود در آمریکا هستند و در حال حاضر لابی عرب و لابی یهود آمریکا به هم نزدیک و با هم فعالیت دارند که این امر می‌تواند از لحاظ سیاسی اثرگذاری گسترده‌ای داشته باشند. آن‌ها (آیپک و ساپراک) که با نفوذترین لابی‌ها محسوب می‌شوند با یکدیگر همکاری می‌کنند. (فرجی راد، ۱۳۹۶)

۵-۲- ساختار تیم کاری ترامپ

تیم کاری ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا به علت پیشینه و رویکردهای نظامی، نژادپرستانه، دشمنی با اسلام سیاسی، ضد ایرانی و گرایش به عملیات نظامی یکجانبه بیشتر شبیه گروه کاری جنگی

1. Adam Schiff

2. Saudi American Public Relation Affairs Committee (SAPRAC)

است. تحقیقی استقرایی درخصوص ساختار تیم کاری ترامپ نشان می‌دهد که رویکردهای اعضای آن به دور از دیپلماسی و مسالمت است و همچنان که مجله فارن پالیسی هم اشاره کرده است، نوعی عقب-گرد به تفکرات حاکم بر آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر محسوب می‌شود. بیشتر اعضای این تیم - از جمهوری خواهان تدریجی سابقه نظامی، گرایش خصمانه و جنگ طلبانه هستند. (گل عنبری، ۱۳۹۵). روزنامه صهیونیستی جروزالم پست در گزارشی ۱۱ شخصیت تأثیرگذار ارشدیهودی از جمله: جرارد کوشنر (داماد و مشاور ترامپ)، دیوید فریدمن (سفیر ایالات متحده در تل آویو)، جیسون گرینبلات (نماینده ایالات متحده در مذاکرات سازش بین تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی)، استفن منوچین (وزیر خزانه داری)، استیون میلر (مشاور ارشد سیاست گذاری های ترامپ و نویسنده سخنرانی های ترامپ و...)، کارل ایکان (مشاور ویژه ترامپ در مسائل مربوط به اصلاحات ساختاری)، گری کوهن (رئیس شورای اقتصادی کاخ سفید)، بوریس اپشتاین (معاون ویژه رئیس جمهور و مدیر ارتباطات برای عملیات جایگزین)، دیوید شولکین (روانشناس و وزیر پیشنهادی امور کهنه سربازان آمریکا)، رید کوردیش (معاونت اصلی در پیشنهادات دولتی و تکنولوژیکی)، آبراهام برکویتز و آبراهام برکویچ (مشاور ویژه رئیس جمهور ترامپ و مشاور جرارد کوشنر) بر شمرده که در کنار دونالد ترامپ حضور داشتند. (Dolsten, 2017) هم چنین در مورد میزان تأثیر تندروها بر سیاست خارجی ترامپ در خاورمیانه می‌توان به سخنرانی آذرماه سال ۱۳۹۶ جان میرشایمر در دانشگاه تهران اشاره نمود که وی در این زمینه اظهار داشت: «تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در نامیدن بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت امریکا به این شهر تحت تأثیر فشار افراطیون داخلی امریکا، اشتباهی بزرگ بود». (میرشایمر، ۱۳۹۶). علاوه بر آن، ترامپ به طور رسمی از برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام خارج و تحریم‌ها را علیه تهران بازگرداند. از سوی دیگر افرادی مانند جیمز ماتیس^۱ و وزیر دفاع،

1. Jared Kushner

2. David Friedman

3. Jason Greenblatt

4. Steven Mnuchin

5. Stephen Miller

6. Carl Icahn

7. Gary Cohn

8. Boris Epshteyn

9. David Shulkin

1. Reed Cordish

0

1. Avrahm Berkowitz

1

1. James Mattis

2

رکس تیلرسون^۱ وزیر خارجه سابق و اچ آر مک مستر^۲ مشاور امنیت ملی سابق که تمایل به توافق برجام داشتند در حاشیه قرارداد و یا آن‌ها را برکنار کرد و نفوذ افرادی مانند جان بولتون^۳ مشاور جنگ طلب امنیت ملی و مایک پمپئو^۴، وزیر امور خارجه آمریکا افزایش یافت. به گونه‌ای که مشاوران میانه رو را برکنار و عناصر جنگ طلب مخالف ایران را تقویت کرد (Thompson, 2018). همچنین از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ دونالد ترامپ در بین رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا بیشترین حمایت را از اسرائیل تاکنون داشته است. وی با خروج از توافقنامه هسته ای با ایران (برجام) و اعمال تحریم های فلج کننده علیه آن کشور خدمت بسیار بزرگی به رژیم اسرائیل کرده است، Hammer, (2020).

۶- تأثیر سیاست خارجی ترامپ بر کاهش تنش بین اسرائیل و عربستان

با روی کار آمدن دولت ترامپ در ایالات متحده آمریکا، تقابل با ایران در کانون سیاست خاورمیانه ای آن قرار گرفت و از سوی دیگر با توجه به سابقه تخاصم رژیم اسرائیل و عربستان سعودی با ایران، در چارچوب معامله قرن، همکاری بین آن‌ها در زمینه های مختلف به ویژه در حوزه ایمنی افزایش یافت که در ادامه مهمترین عوامل تأثیرگذار بر کاهش تنش بین اسرائیل و عربستان و افزایش همگرایی در بین آن‌ها عبارتند از:

۶-۱- داشتن دشمن مشترکی به نام ایران

روند تحولات منطقه غرب آسیا در عربستان سعودی، دارای سابقه طولانی همکاری مخفیانه با اسرائیل علیه دشمنان مشترک شامل ایران و متحدانش مانند حزب الله و حوثی‌ها دارد. تماس‌های پنهانی خود با سعودی‌ها برای رژیم اسرائیل از اهمیت خاصی برخوردار است، اما داشتن روابط رسمی و علنی موجب پایان دادن به انزوای آن در جهان اسلام می‌شود. همکاری مخفیانه بین سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها به اوایل دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد، زمانی که هر دو از سلطنت طلبان یمن در برابر دولت جمهوری خواه مصر و شوروی در صنعا حمایت کردند (Riedel, 2022). روزنامه وال استریت ژورنال با اشاره به نزدیکی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی در دوره ی ترامپ نوشته است: این دو کشور یک

1. Rex Tillerson

2. H. R. McMaster

3. John Bolton

4. Michael Richard Pompeo

دشمن مشترک به نام ایران و یک دوست مشترک به نام دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا درواشنگتن دارند. درحقیقت رژیم اسرائیل و عربستان سعودی از قبل به صورت مخفیانه (به علت بالابودن هزینه روابط آشکار) و از طریق تبادل اطلاعات و تلاش‌های لابی‌گری هماهنگ و فعالیت‌های نظامی با هدف مهار نفوذ ایران در دریای سرخ با یکدیگر همکاری دارند (Trofimov, 2018). این درحالی است که تماس‌های دیپلماتیک بین رژیم اسرائیل و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پس از کنفرانس صلح مادرید بین اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۹۱ آغاز گردید. علاوه بر آن سایر تحولات اخیر نیز نشان دهنده افزایش روابط غیر رسمی بین عربستان سعودی و اسرائیل است. به عنوان مثال داشتن روابط تجاری از طریق کشورهای ثالث و شرکت‌های پوششی، سفر هیأتی از شخصیت‌های دانشگاهی و تجاری سعودی به اسرائیل در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۶، برگزاری ۱۲ جلسه بین مقامات سعودی و اسرائیلی بین انوراشکی^۱، افسر ارشد بازنشسته سعودی و دور گلد‌مدیرکل وزارت امور خارجه رژیم اسرائیل و یکی از با سابقه‌ترین و مورد اعتمادترین افراد نزدیک به بنیامین نتانیاهاو سایر تحولات اخیر نیز حاکی از تعدیل شدن روابط بین عربستان سعودی و رژیم اسرائیل، البته به صورت سری و در سطوح غیر رسمی و غیر دولتی را نشان می‌دهد. در واقع یکی از اجزای این رویکرد، اجماع بر این است که ایران بزرگترین و فوری‌ترین تهدید برای ثبات منطقه است و مقامات در اورشلیم و پایتخت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دیگر به حمایت آمریکا برای مقابله با این تهدید اطمینان ندارند و در نتیجه احساس می‌کنند به ناچار باید متکی به خود باشند (Coates Ulrichsen, 2016). شاهزاده الولید بن طلال یکی از اعضای با نفوذ خاندان حاکم آل سعود در مورد روابط بین رژیم اسرائیل و عربستان گفت: «برای اولین بار، منافع عربستان سعودی و اسرائیل تقریباً با هم منطبق شده و این باور نکرده‌ای است». وی در پاسخ به این سوال که اگر هوایم‌های اسرائیلی در مسیر بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران بر فراز عربستان سعودی پرواز کنند، پادشاهی عربستان چه اقدامی خواهد کرد؟، در پاسخ می‌گوید: «هیچی. چرا ما کاری انجام دهیم؟ آن‌ها همان کاری را می‌کنند که ما می‌خواهیم اتفاق بیفتد.» این شاهزاده در ادامه افزود: «اما وقتی همه چیز تمام شد، یک یادداشت اعتراض شدید در محکومیت نفوذ به فضای هوایی صادر خواهیم کرد» (Henderson, 2013). روزنامه جروزالم پست در این باره نوشته است که در هفته‌های اخیر بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل

1. Anwar Eshki

2. Dore Gold

3. Alwaleed bin Talal

و محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی دو بار تلفنی با هم گفتگو کرده اند (Caspit, 2023). ژنرال گادی ایزنکات رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل در گفت‌وگو با ایلاف در نوامبر گذشته در این زمینه گفته است: «ایران بزرگترین تهدید علیه منطقه است و در این باره توافق کاملی بین ما و عربستان وجود دارد» (Jones, 2018). ایالات متحده آمریکا با همکاری عربستان و رژیم اسرائیل در سطح منطقه همچنان به دنبال تشدید ایران هراسی و ایجاد تحریم‌های جدید به بهانه برنامه‌های موشکی و نقض حقوق بشر است. افزایش ایران هراسی با هدف، تغییر شکاف عربی - رژیم صهیونیستی به شکاف عربی - ایرانی در جهان عرب است؛ زیرا هر چه ایران هراسی در جهان عرب تشدید شود شکاف عربی - ایرانی عمیق شده و در نتیجه تهدید رژیم صهیونیستی برای جهان عرب از اولویت خارج و به تهدید ثانویه تبدیل می‌شوند و در این بین رژیم صهیونیستی فضای مناسبی برای تداوم سیاست‌های خود پیدا کرده و به این وسیله هم به مهار جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و عرصه بین‌الملل می‌پردازد. یکی از اهداف سفر ترامپ به عربستان سعودی و برگزاری اجلاس اسلامی، عربی و آمریکایی جایگزین کردن جمهوری اسلامی ایران به جای عربستان سعودی می‌باشد که خود به عنوان زادگاه و حامی تروریسم تکفیری مسلح است. (آجرلو، ۱۳۹۶) به طور کلی سیاست اسرائیل و عربستان، فرسایش قدرت ایران است. امروز عربستان و اسرائیل با سیاست‌های آمریکا، دنبال گسترش حوزه درگیری‌هایی هستند که با ایران و متحدانش وجود دارد و هدف آنها این است که اعتبار و قدرت ایران در فضای منطقه‌ای به همان صورتی که مرحله‌ای افزایش پیدا کرد، به صورت مرحله‌ای نیز دچار فرسایش شود، و نتیجه وضعیت فرسایش، پیروزی بدون جنگ است. (افشون، ۱۳۹۶: ۱۴۱-۱۴۰).

۲-۶- ایران و محور مقاومت اسلامی

بعد از سال ۲۰۰۳ و در نتیجه تحولات منطقه‌ای جدید با هدف موازنه‌سازی در برابر نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه نیز تلاش‌های بسیاری برای نزدیکی بیشتر رژیم‌های عربی و اسرائیل با حمایت آمریکا صورت گرفت. این گروه از رژیم‌های عربی که خود را محور اعتدال عربی می‌نامیدند در مقابل محور مقاومت عمل می‌کردند. (اسدی، ۱۳۹۰: ۹۷) طی سال‌های اخیر با انتقال کانون بحران از نزاع عربی - اسرائیلی به نزاع شیعه - سنی و بازنمایی ایران به عنوان تهدید مشترک کشورهای عرب سنی منطقه و رژیم صهیونیستی، روند پذیرش اسرائیل تحت فشارهای ایالات متحده تسریع یافته است. (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۱) الگوی رفتاری رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی بر اساس این مؤلفه شکل گرفته است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کانون اصلی محور مقاومت، تهدید مشترک تلقی می‌شود. طبیعی است -

زمانی که بازیگری تهدید مشترک تلقی گردید، مجموعه ای از تمام ابزارها در کوتاه مدت و بلند مدت بایستی علیه آن مورد استفاده قرار گیرد. ائتلاف عربستان و اسرائیل در قالب موازنه ای برای مقابله با تهدید مشترکی به نام نیروهای مقاومت با محوریت ایران تشکیل شده است. (افشون، ۱۳۹۶: ۱۴۱-۱۴۰) از سوی دیگر عربستان، رژیم صهیونیستی را بازیگری می بیند که می تواند سبب ایجاد موازنه با تهران شود و هم آمریکا را دوباره علاقه مند به نقش آفرینی حداکثری در منطقه کند؛ اما رژیم صهیونیستی از عربستان دارای نفوذ معنوی در جهان اسلام انتظار دارد با تابوشکنی شرایط روانی ارتباط با رژیم صهیونیستی در جهان عرب را تسهیل کند تا رویکرد جنبش های اسلامی نسبت به تل آویو اعتدال یابد. ریاض تلاش کرد با اثربخشی فرایند صلح مسیر عادی سازی روابط را مدیریت کند بنابراین تلاش گسترده ای در نهادهای - ایجاد شده مانند کنفرانس آنابولیس و رایزنی با طرف های فلسطینی درگیر با رژیم صهیونیستی یعنی حماس و فتح را شروع کرد تا وحدت ملی در فلسطین شکل گیرد. (کبریایی زاده، ۱۳۹۵) در ۱۱ فروردین ۱۳۹۴، شبکه ۱۰ تلویزیون اسرائیل از همکاری راهبردی آن رژیم با عربستان برای مبارزه با محور مقاومت خبر داد. میثربلیتیک کارشناس امور خاورمیانه در گفت و گو با این شبکه گفت: «آشکار است که ما با عربستان مخالف ایران منافع استراتژیک داریم، زیرا ایران خطری راهبردی است. محور ایران، سوریه و حزب الله، بزرگترین مشکل برای اسرائیل است. همچنین گای باخو خاورشناس اسرائیلی نیز بر این باور است که کشورهای عربی دیگر توجهی به موضوع فلسطین ندارند؛ زیرا در درگیری با ایران به رژیم اسرائیل نیاز دارند؛ این در حالی است که عربستان و همپیمانانش با اسرائیل همکاری محرمانه دارند». روزنامه دیدیوت آحرنونوت نیز در این زمینه نوشته است: «مسئولان سعودی در مصاحبه هایی که با آنان انجام گرفته است، تأکید کرده اند که باتل آویو ضد محور مقاومت سر نوشت مشترک دارند. (یزدانی، ۱۳۹۵: ۳۴-۳۳) میزبانان واشنگتن از کشورهای اروپایی، آمریکای جنوبی و اعراب حاشیه خلیج فارس در نشست غیر علنی و محرمانه علیه حزب الله لبنان در مورخه ۱۵-۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ (۵-۴ مه ۲۰۱۷)، گویای تحركات جدیدی علیه گروه های مقاومت است تا به زعم خود با تشدید فشارها، موجبات تجدید نظر ایران در سیاست های منطقه ای خود را فراهم آورند. (دولتخواه، ۱۳۹۶)

۳-۶- بیداری اسلامی

بی شک، رژیم صهیونیستی مهمترین بازنده ی تحولات جهان عرب است، سرنگونی مبارک، تقویت مطالبات مردمی و اسلام گرایی مردم عرب باعث مخالفت بیش از پیش با این رژیم شده است و از بین رفتن حکومت های سرکوبگر و همراه با این رژیم، مجال دشمنی و ستیز آشکار با اسرائیل را گسترش داده

است. (جهان بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۲۹) از سوی دیگر عربستان تلاش کرده است باتشکیل ائتلاف و راهبردهای موثر در موازنه قدرت از نفوذ هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران در منطقه جلوگیری کند و همچنین وزن ژئوپلیتیکی و قدرت نسبی ایران را در منطقه کاهش دهد. (دارابی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱) در چشم انداز جدید خاورمیانه و به موازات نقش بازیگران دولتی، رشد و نفوذ گروه های غیردولتی که بابت بهره گیری از توان عملیاتی و ظرفیت بازیگری خودشان معادلات قدرت بین دولتی را در منطقه به شدت تحت تاثیر قرار داده اند، جایگاه مهمی در زیست سیاسی خاورمیانه پیدا کرده اند که باعث شده است دولت های رقیب از آنها برای پیشبردهای خود استفاده کنند. (دهشیری و مقامی، ۱۳۹۴: ۱۵۷) و در سطح منطقه ای، بیداری اسلامی بیش از هر زمان دیگری موازنه قدرت در خاورمیانه را دستخوش تغییر و دگرگونی کرده است. در حالی که تضعیف ایران به عنوان اصلی ترین قدرت منطقه ای مورد توجه امریکا و متحدان منطقه ای آن بوده، بیداری اسلامی بسیاری از کشورهای محورسازش را با چالش های جدید داخلی مواجه نموده و از توان آن برای افزایش فشار بر محور مقاومت کاسته است (دهشیری و غفوری، ۱۷۹-۱۸۰: ۱۳۹۴) در این زمینه نیویورک تایمز نوشته است که پس از حوادث معروف به بهار عربی، اسرائیل، دولت عربستان سعودی را به عنوان ضامن ثبات در نظر داشت. چنانچه در سال ۲۰۱۱، اسرائیل، فروش ۲۰۰ تانک لئوپارد^۱ آلمان به عربستان سعودی را فراهم کرد. دیوید هرست^۲، روزنامه نگار و سردبیر خبرگزاری میدل ایست آی^۳ در مقاله ای عنوان می کند که عربستان سعودی از اقدامات اسرائیل در منازعه اسرائیل و غزه در سال ۲۰۱۴ حمایت کرده و مقامات موساد و سازمان های اطلاعاتی عربستان به طور منظم باهم ملاقات داشتند. (آدمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

۴-۶- توافقی هسته ای ایران

اندیشکده بروکینگز در مقاله ای قبل از توافق هسته ای ایران با کشورهای ۵+۱ نوشته است: تنش های عربستان سعودی (با ایران) نه تنها در رفتار جمهوری اسلامی، بلکه در موقعیت ها و آرمان های ژئوپلیتیک دو کشور ریشه دارد و از طرف دیگر، رژیم اسرائیل مانند عربستان سعودی عمیقاً نگران برنامه هسته ای ایران و فعالیت آن در خارج از مرزهایش می باشد. و در این زمینه بین اسرائیل و برخی از قدرت

^۱ - Leopard

^۲ - David Hearst

^۳ - Middle East Eye

های سستی عرب (عربستان) در مقابله با جمهوری اسلامی ایران و متحدان آن (حماس و حزب الله) و بویژه در مورد برنامه هسته‌ای ایران یک منافع مشترکی وجود دارد. نویسنده مقاله در ادامه با اشاره به ملاقات بین آموس یادلین و ترکی فیصل آل سعود از مقامات پیشین اطلاعاتی اسرائیل و عربستان سعودی و شرکت آن هادریک نشست عمومی، آن رازمینه ساز همکاری بین عربستان سعودی دانسته است. (Sachs, 2014) قبل از توافق هسته‌ای بلومبرگ نیز در گزارشی از برگزاری پنج جلسه محرمانه بین مقاماتی از عربستان سعودی و اسرائیل در سال‌های اخیر با هدف جلوگیری از دستیابی ایران و گروه ۵+۱ به توافق هسته‌ای و مهار ایران خبر داده است. (Lake, 2015) و از سوی دیگر جریان سازی منفی علیه ایران توسط عربستان در طول دوران بحران و روند مذاکرات هسته‌ای به حدی بود که عربستان از اقدامات گروه ۵+۱ ابراز نارضایتی کرد و ترکی فیصل رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان، خواستار تبدیل گروه ۵+۱ به گروه ۵+۲ شد؛ و این کشور همسوبا اسرائیل این توافق را نپذیرفت و در این رابطه شورای همکاری در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸ جلسه‌ای با اعضای دائمی شورای امنیت برگزار کرد. (حق شناس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵) به علاوه عربستان، امارات و اسرائیل در سال ۲۰۱۳ توافقنامه امنیتی محرمانه‌ای برای ایجاد ایستگاه مشترک اطلاعات دفاع موشکی ایجاد کرده‌اند و عربستان از طریق اسرائیل در جریان جزئیات مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا قرار گرفته بود. (پورحسین، ۱۳۹۴: ۳۶) و از سوی دیگر با توجه به اقدامات لابی‌ها و تندرهای آمریکا، ترامپ در هنگام تبلیغات انتخابات و پس از روی کار آمدن به عنوان رئیس جمهور آمریکا توافقنامه هسته‌ای با ایران را توافق نام ای بد و بر پاره کردن و یا بازنگری در آن تاکید دارد به طوری که در نشست سران کشورها در سازمان ملل متحد در نیویورک «آن رامایه‌ی شرمساری آمریکا» خواند و در راستای اجرای سیاست‌های ترامپ، رکس تیلرسون وزیر خارجه اسبق آمریکا در این زمینه گفت: «توافق هسته‌ای یا باید تغییر کند و یا ایالات متحده به آن پای بند نخواهد بود». (Chan, 2017) سرانجام ترامپ با تشویق عربستان سعودی، اسرائیل و موسساتی نظیر بنیاد دفاع از دموکراسی و همچنین برخی طرفداران سرمایه دارش از یک توافق جمعی که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را با موفقیت محدود کرده بود خارج شد. (Walt, 2020). در این موضوع لابی سعودی در کنار لابی آپیک، اصلی ترین سهم را در شکل گیری اجماع و اقناع منجر به خروج دولت ترامپ از برجام داشتند. بازی سعودی‌ها در این حوزه از جمله تلاش آن‌ها برای ائتلاف سازی در مقابل برجام و تأثیرگذاری بر کانون‌های اصلی تصمیم سازی و سیاست گذاری در آمریکا به ویژه کاخ سفید، مجلس سنا، مجلس نمایندگان و مجالس ایالتی در همین ارتباط قابل بررسی است. افزون بر این، عربستان سعودی با مطرح

نمودن خود به عنوان نماینده ی کشورهای عربی، نقش تعیین کننده ای را در دوران پس از اجرای برجام به عهده گرفته است. همسویی قابل توجه ریاض با محور واشنگتن - تل آویو در روند امنیتی سازی برنامه هسته ای ایران نیز جزء مکمل این راهبرد به شمار می آید. (سیمبرودیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۹۹).

نتیجه گیری

این پژوهش در چارچوب نظریه های نئورئالیسم ملی گرای اقتصادی، سیاست خاورمیانه ای ایالات متحده آمریکا در دوره ی ترامپ و تاثیر آن بر کاهش تنش بین اسرائیل و عربستان مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. در این راستا نگرش ترامپ به ماهیت سیستم بین الملل با تأکید بر منافع به جای ارزش ها و نظامی گری، ملی گرای اقتصادی و اصل «نخست آمریکا» چراغ راهنمای سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا بود. راهبرد خاورمیانه ای رئیس ترامپ نیز تحت تأثیر ساختار تیم کاری وی و هم چنین لابی ها (یهود، عرب و سلاح) قرار داشت و مبتنی بر مهار و محدود سازی ایران، حمایت از متحدان منطقه ای، صلح خاورمیانه و منفعت طلبی اقتصادی بر محور سرمایه و منافع تجاری ملموس بود که امضاء قراردادهایی به ارزش حدود ۳۵۰ میلیارد دلار در زمینه های مختلف نظامی، اقتصادی، تجاری و انرژی بین عربستان و آمریکا در این چارچوب ارزیابی می شود. دولت سابق آمریکا با ایران هراسی بزرگ نمایی تهدید ایران و قرار دادن نام آن در کنار تروریسم، در تلاش بود تا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان چالش اصلی و عامل بی ثبات کننده منطقه خاورمیانه، جای گزین عربستان و اسرائیل نماید؛ از سوی دیگر با همکاری کشورهای مرتجع عرب بویژه عربستان علاوه بر مقابله ی هدفمند با محور مقاومت، پرونده سازش با اسرائیل در قالب معامله قرن را پیگیری کرد. هم چنین داشتن دشمن مشترکی به نام ایران، محور مقاومت اسلامی، بیداری اسلامی و توافق هسته ای ایران با کشورهای ۵+۱ از مهمترین متغیرهای تاثیرگذار بر کاهش تنش بین اسرائیل و عربستان بود در این راستا رژیم اسرائیل و عربستان سعودی با هدف مهار و فرسایش قدرت ایران روابط امنیتی گسترده ای بایکدیگر دارند و به دنبال گسترش حوزه درگیری با ایران و متحدین آن بوند. طی سال های اخیر نیز با انتقال کانون بحران از نزاع عربی - اسرائیلی به نزاع شیعه - سنی و بازنمایی ایران به عنوان تهدید مشترک کشورهای عرب سنی منطقه و رژیم صهیونیستی، روند پذیرش اسرائیل تحت فشارهای ایالات متحده را تسریع، و زمینه شکل گیری ائتلاف عربی - عبری در این دوره فراهم گردید.

منابع

- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷). لابی و لابی‌گر در آمریکا. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). بیداری اسلامی در جهان عرب و امنیت رژیم صهیونیستی. مطالعات فلسطین، ۱۳ و ۱۴، ۹۱-۱۱۴.
- افشون، تورج (۱۳۹۶). نقش رژیم سعودی در بحران‌های منطقه غرب آسیا. مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۸(۲)، ۱۶۰-۱۲۱.
- آجرلو، حسین (۱۳۹۶). نگاهی دوسویه به سفردونالد ترامپ به عربستان سعودی. موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، قابل دسترسی در: <http://www.tisri.org/default-2413.aspx>
- آدمی، علی؛ نظیفی نائینی، نازنین؛ بیژن، عارف (۱۳۹۷). اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دوجانبه. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۵۷)، ۲۷-۱۹۹.
- آذرگشسب، سینا (۱۳۹۳). نقش لابی آپیک در دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا. سایت آفتاب قابل دسترسی در: https://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1_1418632591p1.php
- بالام، دیوید، وست، مایکل (۱۳۸۶). ثروت و قدرت: مرکانتالیسم و ناسیونالیسم اقتصادی. ترجمه سیدامیر نیاکویی، راهبرد یاس، ۱۰(۴)، ۱۵۳-۱۲۴.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۴). تحول مواضع عربستان در قبال رژیم صهیونیستی. مطالعات فلسطین، ۳۱، ۴۴-۱۱.
- ثمودی، علیرضا (۱۳۹۱). نقش و تاثیرگذاری لابی‌ها در نظام سیاسی ایالات متحده. سایت آفتاب قابل دسترسی در: http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1_1352358784p1.php
- جهان بین، فرزاد؛ پرتو، فتح‌الله (۱۳۹۱). راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱(۳)، ۱۴۳-۱۱۷.
- حقوق‌شناس، محمدرضا؛ موسوی شفقانی، سیدمسعود؛ سجادی‌پور، سیدکاظم؛ شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۶). رقابت‌های ژئوپلیتیک و روابط ایران و عربستان: مکانیزم‌ها و راهبردها. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۶(۲)، ۳۲-۱.

دارابی، وحید؛ کاظمی، حامد(۱۳۹۵). بحران تقابل و موازنه قدرت در سیاست خارجی ایران و

عربستان سعودی. پژوهش ملل، ۲(۱۵)، ۱-۱۹

دولتخواه، زهرا(۱۳۹۶). دورنمای سیاست دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران: تمدید

تعلیق تحریم‌های هسته‌ای همزمان با تشدید فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی. پژوهشکده

تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، قابل دسترسی در:

<http://www.csr.ir/fa/news/632>

دهشیری، محمدرضا؛ غفوری، مجتبی(۱۳۹۴). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال

سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳(۱۲).

دهشیری، محمدرضا؛ مقامی، اسماعیل(۱۳۹۴). بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید

خاورمیانه. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۵(۴)، ۱۵۷-۱۸۰.

رکابیان، رشید؛ خندان، سیروس(۱۴۰۰). نقش جریان شناسی «نفوذ» بر عدم دستیابی انقلاب اسلامی

به تمام آرمانها و اهدافش (باتاکید بر دهه ۱۳۹۰). راهبرد سیاسی، ۵(۱۹)، ۱۱۳-۱۳۴.

سردارنیا، خلیل اله؛ بدری، کوروش(۱۴۰۰). سنجش و تحلیل رابطه بین هویت و اعتماد سیاسی:

مطالعه موردی کرمانشاه. راهبرد سیاسی، ۵(۱۹)، ۱۹۷-۲۲۰.

سیمبر، رضا؛ پیرمحمدی، سعید؛ لطفی، کامران(۱۳۹۷). نقش لابی سعودی در امریکادر روند امنیتی

سازی برنامه هسته‌ای ایران. آفاق امنیت، ۱۱(۴۰)، ۷۱-۱۰۶.

عسکرخانی، ابومحمد(۱۳۹۵). رژیم‌های بین الملل. تهران: خرسندی.

غلامی، طهمورث(۱۳۹۶). ترامپ و کشورهای عرب خلیج فارس. عصر اندیشه، ۱۴، ۴۱.

فرجی راد، عبدالرضا(۱۳۹۶). سه هدف عربستان از ارتباط با اسرائیل. خبرگزاری ایرنا، قابل

دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/82738707>:

کبریایی زاده، حسین(۱۳۹۵). انگیزه‌ها و موانع همیاری عربستان و رژیم صهیونیستی. موسسه

مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران قابل دسترسی

در: <https://tisri.org/?id=rrmuodbt>

گل‌عنبری، صابر(۱۳۹۵). ترامپ برای ایران فرصت است یا تهدید؟. خبرگزاری ایرنا، قابل

دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/82336623>:

محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، محمدرضا ملکی و سعید وثوقی(۱۳۹۶). دونالد ترامپ و میراث سیاست

واقع‌گرایانه اوبامادر خاورمیانه. سیاست جهانی، ۶(۲)، ۱۲۳-۱۵۳

مدرس، محمدولی؛ خلیلی، رضا؛ عطانزاد، حبیب(۱۳۹۶). نقش مجتمع‌های نظامی- صنعتی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۷(۲۴)، ۱۸۵-۲۱۴.

مرادخانی، حسن(۳۹۶). رئالیسم تهاجمی ترامپ در برابر سوریه، سایت رسا به نقل از اندیشکده طنین، قابل دسترسی در: <https://rasanews.ir/fa/news/492217>

میرشایمر، جان. جی(۱۳۹۶). سخنرانی با موضوع: چشم‌انداز سیاست قدرت‌های بزرگ در قرن ۲۱ در تاریخ ۲۱ آذرماه در دانشگاه تهران. پایگاه خبری - تحلیلی دانشگاه تهران، قابل دسترسی در: <https://news.ut.ac.ir/fa/news/4963>.

میرشایمر، جان. جی؛ والت، استیون ام(۱۳۹۲). لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا. تهران: خرسندی.

ندائی، علی اکبر(۱۴۰۰). روش‌های یادگیری در سیاست گذاری عمومی. راهبرد سیاسی، ۵(۱۹)، ۱۳۵-۱۶۰.

هانی زاده، حسن(۱۳۹۴). انگیزه‌های عربستان از تاسیس لابی ساپراک در آمریکا. کتابخانه دیجیتالی دید، قابل دسترسی در: <http://www.did.ir/reader/?cn=AB79DCF>

یزدان فام، محمود(۱۳۹۵). شناخت و راهبرد؛ نگاهی به سیاست خارجی دولت ترامپ. دیده بان امنیت ملی، ۵۹، ۴۲-۳۳.

یزدانی، عباس(۱۳۹۵). ایران، عربستان و سازمان همکاری اسلامی: مشکلات و راهکارها. سیاسی اقتصادی، ۳۰۴، ۳۹-۳۲.

Arab Center for Research and Policy Studies.(2020). "Deal of the Century": What Is It and Why Now?, Feb 4, at: <https://arabcenterdc.org/resource/deal-of-the-century-what-is-it-and-why-now/>

Brookings.(2017). Brookings experts on Trump's National Security Strategy, December 21, at: <https://www.brookings.edu/research/brookings-experts-on-trumps-national-security-strategy/>

Caspit, Ben.(2023). Israel-Saudi Normalization requires concessions for Palestinians, May 23, at: <https://www.al-monitor.com/originals/2023/05/israel-saudi-normalization-requires-concession-s-palestinians>

Chans, Sewell.(2017). Rouhani Lashes Back at Trump, as Iran Unveils Missile at: <https://www.>

- nytimes.com/2017/09/22/world/middleeast/rouhani-trump-missile.html
- Coates Ulrichsen, Kristian.(2016).Israel and The Arab Gulf States:Drivers and Directionof Change,September2016,at:<https://www.bakerinstitute.org/sites/default/files/2016-09/import/CME-pub-GCCIsrael-090716.pdf>
- Cordesman,Anthony.(2016).Saudi Arabia and the United States: Common Interests and Continu ing Sources of Tension, Center for Strategic & International Studies,March10,at: [https:// www.csis.org/analysis/saudi-arabia-and-united-states-common-interests-and-continuing-sources-tension-](https://www.csis.org/analysis/saudi-arabia-and-united-states-common-interests-and-continuing-sources-tension)
- Dolsten,Josefin.(2017).Meet the top Jewish officials in the Trump Administration,January 27,at:[https://www.jpost.com/Diaspora/The-top-Jewish-officials-in-the-Trump-dministration-479769.](https://www.jpost.com/Diaspora/The-top-Jewish-officials-in-the-Trump-dministration-479769)
- Elhardt,Christoph.(2018).Trump’s Middle East Policy,October2,at:[https://css.ethz.ch/en/center /CSS-news/2018/10/trumps-middle-east-policy.html](https://css.ethz.ch/en/center/CSS-news/2018/10/trumps-middle-east-policy.html)
- E.Lobell,Steven.(2017).Structural Realism/Offensive and Defensive Realismfree,December 22, at:<https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190846626.013.304>
- Hammer, Josh.(2020).Donald Trump, the Jewish case on why he makes a good president , Mar ch15,at:[https://www.jpost.com/Us-Elections/Donald-Trump-the-Jewish-case-on-why-he-makes-a-good-president-621114.](https://www.jpost.com/Us-Elections/Donald-Trump-the-Jewish-case-on-why-he-makes-a-good-president-621114)
- Henderson, Simon.(2013).No One in the Middle East Will Sleep,November 25,at:[https:// www.theatlantic.com/international/archive/2013/11/no-one-in-the-middle-east-will-sleep/281845/](https://www.theatlantic.com/international/archive/2013/11/no-one-in-the-middle-east-will-sleep/281845/)
- Indyk,Martin.(2017).6 elements of a strategy to push back on Iran’s hegemonic ambitions, March29,at:[https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/03/29/6-elements-of-a-strategy-to-pus-h-back-on-irans-hegemonic-mbitions.](https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/03/29/6-elements-of-a-strategy-to-pus-h-back-on-irans-hegemonic-mbitions)
- Jones,Rory.(Jan.27,2018).Israel Tries Arabic Outreach,Gets Mixed Response,at: [https://www. wsj.com/articles/israel-tries-arabic-outreach-gets-mixed-response-1517054401.](https://www.wsj.com/articles/israel-tries-arabic-outreach-gets-mixed-response-1517054401)
- Kessler, Glenn.(2017).The Trump administration’s tally of \$350 billion-plus in deals with Saudi Arabia, June 8, at:<https://www.washingtonpost.com/news/fact->

checker/wp/2017/06/08/the-trump-administrations-tally-of-350-billion-plus-in-deals-with-saudi-arabia/

McGurk, Brett(January22,2020),The Cost of an Incoherent Foreign Policy,at:[https://www. fore ignaffairs.com/articles/iran/2020-01-22/cost-incoherent-foreign-policy](https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2020-01-22/cost-incoherent-foreign-policy)

Middleeastmonitor.(2020).Saudi Arabia and other Gulf States to fund US 'deal of the century',January28,at:[https://www.middleeastmonitor.com/20200128-saudi-arabia-and-other-gulf-state s-to-fund-us-deal-of-the-century/](https://www.middleeastmonitor.com/20200128-saudi-arabia-and-other-gulf-state-s-to-fund-us-deal-of-the-century/)

National Security Strategy of the United States of America,December 2017at: <http://nssarchive.us/national-security-strategy-2017>

Riedel ,Bruce.(2022). How to understand Israel and Saudi Arabia's secretive relationship, July11,at:[https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2022/07/11/how-to-understand-isra el-and-saudi-arabias-secretive-relationship/](https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2022/07/11/how-to-understand-israel-and-saudi-arabias-secretive-relationship/)

Sachs,Natan.(2014).Israel and Iran's Role in the MiddleEast,at:[https://www.brook ings.edu/ testimonies/israel-and-irans-role-in-the-middle-east](https://www.brookings.edu/testimonies/israel-and-irans-role-in-the-middle-east).

Sher, Gilead.(2020).Comparing the“Deal of the Century”with Previous Plans INSS Insight No.1255,February2,at:<https://www.inss.org.il/publication/trump-deal-comparative-review>

Stepansky, Joseph.(2022). What is the United States ‘gun lobby’ and how powerful is it?, May 25,at:<https://www.aljazeera.com/news/2022/5/25/what-is-the-united-states-gun-lobby-and-how-powerful-is-it>

Stockholm International Peace Research Institute.(2023).Surge in arms imports to Europe, while US dominance of the global arms trade increases,13 March ,at:<https://sipri.org/media/press-release/2023/surge-arms-imports-europe-while-us-dominance-global-arms-trade-increases>

Thrall, Nathan.(2020).Trump's Middle East Peace Plan Exposes the Ugly Truth,Jan29, at: <https://www.nytimes.com/2020/01/29/opinion/trump-peace-plan.html>

Thrall,A.Trevor.(2017),Divining the Emerging Trump Doctrine,January26,at:<https://www>.

cato.org/publications/commentary/divining-emerging-trump-doctrine.

- Thompson, Jack. (2018). Trump's Middle East Policy, Editor: Lisa Watanabe, Center for Security Studies ETH Zurich, No. 233, October 2018, at: <https://css.ethz.ch/content/dam/ethz/special-interest/gess/cis/center-for-securities-studies/pdfs/CSSAnalyse233-EN.pdf>
- Trofimov, Yaroslav. (2018). For Saudis and Israelis, Cost of Open Ties Outweighs the Benefits <https://www.wsj.com/articles/for-saudis-and-israelis-cost-of-open-ties-outweighs-the-benefits-1517481001>.
- Wainer, David. (2016). In Trump Era, Israel Sees Opportunity to Shift Iran Approach, November 17, at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-11-17/in-trump-era-israel-sees-opportunity-to-shift-iran-approach>.
- Walt, Stephen. (2019). How (and How Not) to Talk About the Israel Lobby, February 15, at: <https://foreignpolicy.com/2019/02/15/how-and-how-not-to-talk-about-the-israel-lobby>
- Walt, Stephen. (2020). Trump's Iran Policy Is Brain-Dead, January 3, at: <https://foreignpolicy.com/2020/01/03/qassem-suleimani-trump-iran-policy-lacks-coherent-objectives-strategy>
- W. Dunne, Charles. (2020). The Arms Trade in the MENA Region: Drivers and Dangers, June 17, at: <https://arabcenterdc.org/resource/the-arms-trade-in-the-mena-region-drivers-and-dangers/>
- Wright, Robin. (2018). One Year In, Trump's Middle East Policy Is Imploding, at: <https://www.newyorker.com/news/news-desk/one-year-in-trumps-imploding-middle-east-policy>